

۵۷-هرگاه اندوهگین می‌شد و خطاها او را غمگین می‌نمود

دعای بیست و هفت صحیفه سجادیه کامله

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ، وَوَاقِيَ الْأَمْرِ الْمَخُوفِ، أَفْرَدْتَنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ، وَضَعَفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي، وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي، وَمَنْ يُؤْمِنُنِي مِنْكَ وَأَنْتَ أَخَفْتَنِي؟ وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي؟ وَمَنْ يُقْوِينِي وَأَنْتَ أضعفتني؟

خداوند، ای بی‌نیاز کننده فرد ناتوان، و ای حافظ بندگان از حادثه ترسناک، خطاها مرا دچار تنهایی کرده، پس هم‌نشینی [که وزر و وبال و عذاب خطاها را از من برطرف کند] برایم نیست و از تحمل خشم ناتوان شده‌ام و نیرو دهنده‌ای برایم نمی‌باشد و بر ترس دیدارت، به وقت مرگ و قیامت، [آن‌هم دیداری نامناسب و هولناک] نزدیکم و آرام بخشی برای ترسم وجود ندارد. اگر مرا بترسانی، چه کسی در برابر تو امانم می‌دهد؟ و اگر تنهایم بگذاری، چه کسی مرا یاری می‌دهد؟ و اگر ناتوانم سازی، چه کسی مرا توانمند می‌کند؟

لَا يُجِيرُ يَا إِلَهِي إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْبُوبٍ، وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ، وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ، وَبِيَدِكَ يَا إِلَهِي جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَإِلَيْكَ الْمَفْرُ وَالْمَهْرَبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِرْ هَرَبِي وَأَنْجِحْ مَطْلِبِي.

ای خدای من پرورده را جز پروردگار پناه نمی‌دهد و شکست خورده را جز پیروزان نمی‌بخشد و خواسته شده را جز خواستار کمک نمی‌کند. ای خدای من! تمام آن وسایل و اسباب به دست اراده توست و گریزگاه و پناهگاه فقط به سوی توست، پس بر محمد و آلش درود فرست، گریزم را پناه ده و خواسته‌ام را روا کن.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ، أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ، أَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ، أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبَبَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرِكَ، وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدَلٌ فِي قَضَاؤِكَ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ، وَلَا أَسْتَطِيعُ مَجَاوِزَةَ قُدْرَتِكَ، وَلَا أَسْتَمِيلُ هَوَاكَ، وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ، وَلَا أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ.

خداوند اگر روی کریمت را از من بگردانی، یا مرا از احسان بزرگت محروم کنی، یا روزیات را از من دریغ ورزی، یا رشته پیوندت را از من بگسلی، راهی برای دست‌یابی به هیچ‌یک از آرزوهایم جز تو نیابم؛ و بر آنچه پیش توست، جز به یاری تو دست‌رسی پیدا نکنم؛ چرا که من بنده تو و در قبضه اراده توام؛ اختیارم به دست توست. با فرمان تو، فرمانی برای من نیست؛ حکم تو در تمام شئون زندگی من جاری است و سرنوشت و تقدیرت درباره

من عین عدالت است؛ مرا نیروی بیرون رفتن از قلمرو سلطنت تو نیست و توانمندی تجاوز از حیطة قدرتت
برایم وجود ندارد و امکان جلب دوستی‌ات را ندارم و به خشنودی‌ات نمی‌رسم؛ و به آنچه نزد توست جز به
طاعتت و فضل رحمتت، دست نمی‌یابم.

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَأَعْتَرِفُ
بِضَعْفِ قُوَّتِي، وَقِلَّةِ حِيلَتِي، فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَتَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ
الضَّرِيرُ، الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ، الْمُهِينُ الْفَقِيرُ، الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ.

خدای من، صبح و شب کردم درحالی که بنده خوار و بی‌مقدار توام؛ برای خود جز با کمک حضرتت بر جلب
سودی و دفع زیانی، قدرت ندارم؛ به آنچه درباره خود گفتم، گواهی می‌دهم؛ به ناتوانی نیروی و کمی تدبیرم،
اعتراف می‌کنم؛ پس آنچه را به من وعده دادی، وفا کن؛ و آنچه را که به این بنده‌ات عطا فرموده‌ای، کامل ساز؛
زیرا که من بنده بی‌نوا، ذلیل، ناتوان، دردمند، کوچک، بی‌مقدار، تهی‌دست، ترسان و پناهنده به توام.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيهَا أَوْلِيَّتِنِي، وَلَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيهَا أَوْلِيَّتِنِي، وَلَا آيسًا مِنْ
إِجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي، فِي سَرَاءٍ كُنْتُ أَوْ ضَرَاءً، أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ، أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ، أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءٍ، أَوْ
جِدَّةٍ أَوْ لَأَوَاءٍ أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنَى.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا نسبت به یاد خود در آنچه به من عطا کردی، فراموش کار مکن؛ و
به احسانت در آنچه به من بخشیده‌ای، غافل و بی‌خبر مساز و از اجابت دعایم گرچه تأخیر افتد، ناامید مکن؛
در خوشی باشم یا ناخوشی، در سختی باشم یا رفاه، در سلامت و تندرستی باشم یا بلا، در تنگدستی و بیچارگی
باشم یا نعمت، در دارایی باشم یا محنت، در تهیدستی باشم یا توانگری.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَمَدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي، حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا
آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا، وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ، وَاسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي، وَأَشْغَلْ
بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرِدُ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَحِبَّ شَيْئًا مِنْ سَخَطِكَ، وَلَا أَسْخَطُ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و ثنایم را برای خودت و ستودنم را درباره حضرتت و سپاسم را در تمام
حالاتم به خاطر وجود مبارکت، قرار ده؛ تا به آنچه از دنیایم عطا می‌کنی، خوشحال نشوم؛ و بر آنچه در دنیا
محرومم می‌کنی، اندوهگین نگردم؛ و تقوایت را با قلبم آمیخته گردان؛ و بدنم را در اعمالی که از من می‌پذیری،

به کار گیر؛ و وجودم را، برای دور ماندن از هر خلاقی که به جانب من می‌آید، به طاعت و بندگی‌ات مشغول دار؛ تا ذره‌ای از خشمت را دوست نداشته باشم و نسبت به ذره‌ای از خشنودی‌ات خشم نوزم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ، وَأَشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ، وَأَنْعَشْهُ بِخَوْفِكَ، وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَأَمِلْهُ إِلَى طَاعَتِكَ، وَأَجْرِ بِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ، وَذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَةِ فِيهَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و دلم را برای دوستی‌ات خالی کن و به یاد خود مشغول ساز و به بیم و هراس از خود نشاط ده و به شوق و رغبت به سویت نیرومندش کن و به جانب طاعتت میلش ده و در محبوب‌ترین راه‌های به سویت روانش ساز و در تمام دوره زندگی‌ام او را به رغبت داشتن نسبت به آنچه نزد توست، رام گردان.

وَأَجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلَى رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي، وَفِي مَرَضَاتِكَ مَدْخَلِي، وَأَجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ، وَهَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرَضَاتِكَ، وَأَجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ، وَرَعْبَتِي فِيهَا عِنْدَكَ، وَأَلْبَسْ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْأَنْسَ بِكَ وَبِأَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ.

از دنیا، تقوایت را توشه‌ام و سفرم را به سوی رحمتت و ورودم را در خشنودی‌ات و جایم را در بهشتت، قرار ده؛ و مرا قدرتی بخش که همه بار خشنودی‌ات را به دوش جان، حمل کنم؛ گریزم را به سویت و میلم را در آنچه نزد توست، قرار ده؛ و لباس وحشت از بندگان بدت را بر دلم بپوشان و انس گرفتن به خودت و عاشقانت و اهل طاعتت را به من ارزانی دار.

وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنْهُ، وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً، بَلِ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكَفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ.

و به سود هیچ بدکار و کافری بر من رافت و نعمت قرار مده و روی نیازم را به سوی آنان مکن؛ بلکه آرامش دل و انس جان و بی‌نیازی‌ام و انجام گرفتن کارم را برعهده خودت و برگزیدگان از بندگان قرار ده.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا وَأَجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا، وَأَمُنْ عَلَيَّ بِشَوْقٍ إِلَيْكَ وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا همنشین و یار ایشان قرار ده؛ و به شوق ورزیدن به سویت و به عمل برایت، چنانکه دوست داری و می‌پسندی، بر من منت گذار؛ همانا تو بر هر کاری توانایی و تحقق آن همه که گفتم بر تو آسان است.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer